

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۷

## جایگاه تاریخ در هویت‌سازی نسل جوان در گستره سینما

علی زارع<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۰

### چکیده:

امروزه در کنار نهادهای مهمی چون آموزش و پرورش و خانواده که نقشی اساسی در شکل‌دادن به هویت نسل نوجوان و جوان ایفا می‌کنند، باید دید از عنصر دیگری به نام رسانه‌های دیداری نیز نام برد که توان بسیار شگفتی در شکل‌دهی به نگاه مخاطبان دارند. از میان رسانه‌های دیداری، سینما به دلیل جذابیت‌های بصری و رازآمیزی آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. چندان بی‌دما می‌کند. ژانر تاریخی یکی از دسته‌بندی‌های انواع ژانر در سینما به‌شمار می‌رود که علاوه بر به تصویر کشیدن وقایع تاریخی، می‌تواند کارکرد هویتی نیز داشته باشد. در کنار ژانر تاریخی، ژانر زندگی‌نامه‌ای نیز با الهام از تاریخ زندگی بزرگان سیاسی، علمی، ادبی و فرهنگی یک کشور سعی در به وجود آوردن لایه‌های شناختی و هویتی دارد.

ایران با دارا بودن پیشینه فرهنگی و تمدنی دامن‌دار و نیز شخصیت‌های نابغه در ابعاد مختلف، جز معدود کشورهایی است که می‌تواند علاوه بر تولید دیگر ژانرهای سینمایی، در بحث ژانر تاریخی و زندگی‌نامه‌ای و بازتاب شخصیت‌های فرامرز تاریخی خود بر پرده سینما سرمایه‌گذاری کند. از این رو، سینماگران نقش فرهنگی و آموزشی در الگو‌سازی برای نسل نوجوان و جوان امروز غرق در سینمای هالیوود، دارند و باید از آن به خوبی آگاه باشند.

هر چند فیلم‌های شاخصی از این دست در سینمای ایران تولید شده‌است، اما وقایع تاریخی وافر و نیز شخصیت‌های اثرگذار زیادی وجود دارند که به آنها توجهی نشده‌است. در این مقاله علاوه بر پرداختن به نقش سینمای ژانر تاریخی در هویت‌سازی نسل جوان به معرفی لایه‌های فیلم‌سازی در این ژانر پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: سینما، ایران، ژانر تاریخی، هویت، تاریخ، شخصیت‌های باستانی.

## ۱- دیباچه:

آن شب سردی که برادران لومیر اهل لیه ون در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ برای اولین بار سینما توگراف خود را در بلوار کاپوسن‌های پاریس و در مقابل عده‌ای از علاقه‌مندان به نمایش گذاردند، شاید به خیالشان هم خطور نمی‌کرد که چه انقلاب‌ستیزی را در عرصهٔ ارتباطات به وجود آورده‌اند. چهار سال از زمان شروع سینما و نمایش ۲۰ دقیقه‌ای نخستین فیلم تاریخ سینما در گراند هتل، نگذشته بود که ایرانیان در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، با سینما آشنا می‌شوند. شاه قاجار در سفری به فرانسه، هنگام استراحت برای معالجه در چشمه‌های آب معدنی، با سینما آشنا می‌گردد و در سفرنامه‌اش آن را به ثبت می‌رساند و اولین فیلمی که توسط یک ایرلندی گرفته شد، در طی همان سفر و با همان دستگاه خریداری شده و به دستور مظفرالدین شاه بود که در کنار دریای بلژیک و در طی مراسمی موسوم به جشن گل‌ها، میرزا ابراهیم خان عگاس باشی با همان دستگاه از این صحنه‌ها فیلم می‌گیرد.<sup>۲</sup> اما نخستین فیلم ناطق ایرانی، دختر لرنام داشت که در سال ۱۳۱۲ شمسی، به کارگردانی اردشیر ایرانی و نویسندگی عبدالحسین سپنتا در دو سینمای مایاک و سپه، به روی پرده رفت و نخستین فیلم تاریخی ایران، فردوسی، ساختهٔ عبدالحسین سپنتا نیز در سال ۱۳۱۳ شمسی و در هزارهٔ این شاعر نامدار به نمایش درآمد.

امروزه و در عصر تسلط رسانه‌ها، سینما کارکردهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و به ویژه فرهنگی پیدا کرده است و بارزترین گونهٔ سینمایی که می‌تواند زبان عیان هویتی یک کشور باشد، ژانر تاریخی است. سینمای تاریخی، انعکاس دو نکتهٔ میل به دانستن رخدادهای گذشته و تلاش برای کشف و بازسازی واقعیت، تا حد امکان است. در این سینما، تاریخ و توان مندی‌های فنی و تکنیکی سینما برای بازسازی گذشته با یکدیگر ترکیب می‌شوند و طبعاً مشارکت مورخان در کار فیلم‌سازان تا حدی وزن تاریخی و واقعی بودن تولیدهای این سینما را سنگین‌تر می‌کند.<sup>۳</sup> سینما صرفاً یک وسیلهٔ ارتباطی نیست، بلکه دامنهٔ آن وسیع بوده و برای ملت‌هایی که بخواهند سمبل‌های فرهنگی، سیاسی و هویتی خود را آرایه دهند، بسیار

۱. رابینسون، تاریخ سینمای جهان، ص ۹.

۲. همان، ص ۴۹۶.

۳. کاس، دراماتیزه کردن تاریخ در سینما، تحریف واقعیت یا ضرورت هنری، ص ۲۳.

واجد اهمیت است.<sup>۱</sup> در واقع، هدف طرح تاریخ در سینما و تلویزیون این است که نسل جدید را با نسل‌های قدیمی و طرز اندیشه آنان و با هویت تاریخی و اساطیری و زیبایی‌شناسی قومی خود پیوند دهد و نوعی استمرار فرهنگی را باعث شود. نقش تاریخ به مثابه قوام‌دهنده هویت و سیر اندیشه به قدری اساسی است که کشور‌های فاقد تاریخ طولانی، در آثار سینمایی و تلویزیونی خود به جعل تاریخ و اسطوره می‌پردازند.<sup>۲</sup>

اما نقش و کارکرد رسانه و سینما در ایجاد هویت ملی و کمک به نوجوانان و جوانان در جستجوی "بودن" چگونه می‌تواند باشد. امپراطوری غول‌های رسانه‌ای و فرهنگ ساز در گستره سینما در تلاش است تا با یک دست کردن هویت‌ها و تزریق ارزش‌های خود در محیط جهانی، هویت‌های دیگر را در خود استحاله کند و این جاست که نقش سینمای با‌ژانر تاریخی در این عرصه مشخص می‌شود. این نظریه که رسانه‌های جمعی می‌توانند به طور مستقیم بر رفتار مخاطبان تاثیر بگذارند، به نظریه تزریق زیر پوستی شهرت یافته است. این نظریه مدعی است که رسانه‌ها قادرند به طور مستقیم به همان شیوه که تزریق زیر پوستی بر بدن تاثیر می‌گذارد، افکار را تحت تاثیر قرار می‌دهند.<sup>۳</sup>

## ۲- سینما، ژانر تاریخی و هویت ملی:

نخست باید به تعریف رسانه و سینما اشاره نمود. به آن دسته از وسایل ارتباطی که در تمدن‌های جدید به وجود آمده و مورد استفاده اند و ویژگی اصلی آنها قدرت و توانایی زیاد و شعاع عمل وسیع است، رسانه گفته می‌شود<sup>۴</sup>، و به دو بخش دیداری و شنیداری تقسیم می‌گردد و رسانه‌های دیداری نیز خود دو بخش تصویری و نوشتاری دارند که سینما، تلویزیون و مطبوعات از هر دو بخش نوشتار و تصویر بهره‌مندند.<sup>۵</sup> سینما در اصل واژه‌ای یونانی است به معنای حرکت، اما در اصطلاح، سینما، هنر و فنی است که به کمک یک سری تصاویر متحرک، پیامی را به مخاطب خود که همان تماشاگر است، منتقل می‌کند. سینما در کنار تئاتر، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، موسیقی و رقص، آخرین هنر و به عبارت دیگر هنر

۱. اسمیت، ژنو بولیتیک اطلاعات یا شیوه‌های سلطه جویی فرهنگی استعمار در جهان از طریق رسانه‌های همگانی، ص ۳۸.

۲. فهیمی فر، تاملی فلسفی پیرامون حضور تاریخ در سینما، ص ۳۵.

۳. دانی، نشانه‌شناسی رسانه‌ها، ص ۳۳۸.

۴. کارنو، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۶.

۵. ویندال و دیگران، کاربرد نظریه‌های ارتباطی، ص ۷۱.

هفتم است. سینما دسته بندی های بساری دارد که به آن، گونه یا ژانر گفته می شود. ژانر تاریخی نوعی از انواع گونه های فیلم است که موضوع آن حول محور یک شخصیت یا واقعه تاریخی دور می زند.

از سوی دیگر هویت از منظر روان شناسی دوام و بقای علم آدمی به وحدت خود در طول زمان است و عواملی که به رکن هویت کمک می کنند عبارت اند از حافظه که تاریخ گذشته زندگی آدمی را به یاد می آورد و خیال که به او اجازه می دهد برای آینده نقشه ها بکشد و به یاری ادراک و حافظه و خیال، اوقات و وقایع مختلف زندگی گذشته و حال و آینده خود را به یکدیگر مربوط و متصل می سازد و به آنها وحدت شکل می دهد.<sup>۱</sup> اما در کنار هویت فردی که مشخصه هر شخص است و به ویژگی های ارثی و محیطی وی بستگی دارد، نوع نوینی از هویت به نام هویت ملی نیز وجود دارد. هویت ملی که از بر ساخته های علوم اجتماعی است، به مثابه پدیده سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است و هنگامی در غرب پدید آمد که ملت به معنای امروزی شکل گرفت و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین های دیگر راه یافت. مفهوم هویت ملی از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای خلق و خوی و خصیصه ملی کاربری یافت.<sup>۲</sup>

مولفه های هویت ملی را می توان در زمینه داشتن زبان مشترک، سرزمین مشترک، حکومت ملی، نژاد مشترک، آیین ملی، هنر ملی و آموزه های دینی ارزیابی نمود.<sup>۳</sup> در کنار این مولفه ها، به قول فرهنگ رجایی، هویت ایرانی از چهار آشخور تغذیه می کند: «از این چهار بستر رودخانه، منبع اولی ایران است که وجه مشخص و ارزش های قابل احیا و دیرنده آن را که ایرانیان به آنها بسیار فخر می کنند، یکی فردیت عارفانه و دیگری تساهل و باز بودن است. بستر دوم رودخانه دین و برای اکثر ایرانیان اسلامیت است که ایرانیان از ارزش های متعدد آن یکی خدا پرستی و وحدانیت و دیگری عدالت و برابری در قبال قانون را بر گرفته، بزرگ کردند و صیقل زدند. بستر سوم این رودخانه سنت است که زندگی ایرانیان را طی قرون و اعصار جهت داده است. آن چه سنت ایرانی را از دیگر سنت ها متفاوت می کند، یکی اعتدال و میانه روی و دیگری فتوت و جوانمردی است. و بالاخره چهارمین بستر رودخانه هویت ایرانی که

۱. سیاسی، روان شناسی شخصیت، ص ۴۴.

۲. میر محمدی، گفتارهایی درباره ی هویت ملی در ایران، ص ۷.

۳. قربان سوار، رحمتی و ناطقی، رسانه و هویت ملی (تاثیر رسانه بر شاخص های هویت ملی)، ص ۱۲۳-۱۲۴.

ایرانیان را به شدت تحت تاثیر قرار داده، اما آنها در شکل‌گیری اولیه آن نقش نداشته‌اند، تجدّد است»<sup>۱</sup>.

تردیدی نیست که رسانه‌ها و به ویژه سینما، با باز‌نمایی عقاید و باور‌ها، بر شیوه‌درک دنیا از سوی مردمی که در قلمرو آن فرهنگ زیست می‌کنند، تاثیر دارند. مسئله اصلی رسانه‌ها در عصر کنونی، شکل‌گیری و ساخته شدن هویت هاست.<sup>۲</sup> رسانه در شرایط حاضر کارکرد‌های بسیاری از جمله عامل توضیح، تفتّن و سرگرمی؛ عامل انتقال و ساخت فرهنگ؛ منبع هویت‌گرایی یا هویت‌شناسی؛ عامل تشخّص فرد، گروه و ملت؛ ابزار جهانی بودن، جهانی‌سازی یا جهانی شدن و نهادی به مثابه حکومت دارند.<sup>۳</sup> اما سینمای ایران تا چه حد توانسته است از امکانات فرهنگ ملی و بومی در روند هویت‌سازی نسل‌ها بهره‌برد؟

یکی از معیار‌های بارز هویت ملی ایرانی را می‌توان دنیای ایران باستان و متعلقات آن بر شمرد. به نظر می‌رسد از بعد نگاه تاریخی، هر نوع نگاه و تلاش برای بازتاب و تعریف هویت ایرانی بدون در نظر گرفتن توأمان دو وجه حیاتی ایرانیّت و اسلامیت، نگاهی عاری از شناخت تاریخی و نیز آمیخته با غرض‌ورزی است. در حالی که در اعاده هویت ملی ایرانی اسلامی و بازخوانی جهت‌دار گذشته، لاجرم می‌بایست سهم قابل توجهی به موضوعات ملی و ارزش‌های ملی نیز داد.<sup>۴</sup> در کنار کم‌توجهی به ملیّت در بازنمایی آن در سینما، می‌توان به موارد دیگری اشاره نمود که سینمای ایران به آنها دچار است و همین امر ترسیم یک برناهِ کلی را برای سینمای ملی با مشکل مواجه می‌سازد. سینمای ایران از مشکلات پایه‌ای چون نبود سیاست‌های روشن و مشخص در بعد سیاست‌گذاری فرهنگی رنج می‌برد. یارانه‌ای بودن سینمای ایران موجب تبلیغاتی شدن فیلم‌ها، بی‌توجهی به ضرورت جلب تماشاگر، اتلاف منابع، افت کیفیت فیلم‌ها و تضعیف موقعیت سینما به عنوان یک رسانه مهم و موثر شده است.<sup>۵</sup>

این که چرا ما به نادیده گرفتن ایران باستان و اقیانوس ژرف هویت‌ساز آن می‌پردازیم، خود مقوله‌ای مجزاست. سینمای هالیوود از فرط نداشتن پیشینه‌مدید تاریخی دست به خلق قهرمانانی چون بت‌من، ترمیناتور و ... برای ایجاد الگو‌هایی جهانی زده است، الگو‌هایی که

۱. رجایی، مشکله هویت ایرانیان امروز و ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ. ص ۲۳۸.

۲. شیخ‌الاسلامی و عسگریان، رسانه، هویت و الگوی مصرف: رویکرد نظری، ص ۳۲.

۳. قربان‌سوار، رحمتی و ناطقی، رسانه و هویت ملی (تاثیر رسانه بر شاخص‌های هویت ملی)، ص ۱۱۹.

۴. فقیهی فر، تاملی فلسفی پیرامون حضور تاریخ در سینما، ص ۴۰.

۵. گرانیپه، سینما: آسیب‌شناسی سینمای ایران، ص ۱۰۴.

در واقع سمبل ایدئالیستی نوجوانان و جوانان در سر تا سر جهان شده‌اند. هر چند که از بعد ژانر تاریخی در سینمای ایران اثرهای ماندگاری چون کارهای داوود میر باقری در باب تاریخ صدر اسلام و نیز ساخته‌های علی حاتمی که تاریخ قاجار و معاصر را تصویر می‌کند، خلق شده‌است، اما از بعد پرداختن به شخصیت‌های باستانی ایران ضعف‌های بسیاری وجود دارد. این ضعف تا بدان جاست که هالیوود به خود جرئت می‌دهد تا به تحریف فاحش تاریخ پردازد و فیلم بی‌مایه‌ای چون سیصد خلق شود و در صورت عدم روایت تصویری بزرگان ملی ایرانی در قالب سینما، روند تخریب هویت ایرانی در مسیر نبرد نرم فرهنگی ادامه خواهد یافت. حتی با نگاهی کلی و غیر آماری در سطح جامعهٔ ایرانی و در میل نسل‌های جدید به سینمای غربی و تقلید خشک و بی‌چون و چرا از قهرمانان آن، می‌توان دریافت که سینمای ایران از این رسالت گران سنگ خود غافل بوده‌است.

### ۳- سینما: بازتاب چهره‌های هویت ملی:

تاریخ ایران شخصیت‌های بسیاری را در دامان خود پرورانده‌است که بررسی زندگی آنان می‌تواند وجوه گیرای الگو بودن را در زمینه‌های گوناگون، عیان سازد. رسانه و به ویژه سینما، در بازشناسی این افراد و بازتاب شخصیتی آنها و نیز ساختن نقش سمبلیک از این قهرمانان، تاثیر و افری دارد. با یک سیاست گذاری فرهنگی بلند مدت و با نگاهی درست به این شخصیت‌ها، می‌توان با الگو سازی موفق از آنها، هجمهٔ همه‌جانبهٔ فرهنگی را خنثی نمود و از دیگر سو با ساختن هویت پایه‌ای برای نسل‌ها، از آسیب‌های شدید اجتماعی و فرهنگی که امروزه شاهد شدت گرفتن آنها هستیم، جلوگیری کرد. در هر حال، در ادامه به معرفی تنها چند نمونه از این نوابغ ملی اشاره می‌شود که سینمای کشورمان تا کنون به آنها پرداخته‌است و باز کردن جوانب شخصیتی و رفتاری آنها در سینما می‌تواند انگاره‌ای ماندگار را ثبت نماید.

#### ۳-۱- زرتشت: پیامبر خردورز:

زرتشت جز نوابغ چند وجهی جهان است که تاثیر هر یک از ابعاد وجودی او آن چنان ژرف بوده که سر آمدان دینی، فلسفی و اخلاقی، زبان به تحسین وی گشوده‌اند. بسیاری از پژوهشگران، نوشته‌اند که ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) برخی از آموخته‌های اساسی هم چون رستاخیز و معاد را از دین زرتشت اقتباس کرده‌اند.<sup>۱</sup> از بعد فلسفی نیز می‌

۱. حاجتی شورکی و طاهری آمرادی، واکاوی تاثیر پذیری یهودیت از دین زرتشت، ص ۹۳.

توان گفت که زرتشت در جهان پیشگام است. یکی از مسایل مهم را که زرتشت در حکمت خسروانی، که فلسفه و حکمت ایران باستان در حوزه حکمت عملی و فلسفه سیاسی است مطرح کرد، اصطلاحات آن را وضع نمود و ترجمه دقیق آن بعد ها در آثار افلاطون، نو افلاطونیان، حکما و فلاسفه و ارباب دین نیز انعکاس داشته، همین فلسفه سیاسی زرتشت است.<sup>۱</sup> محور مهم دیگر جهان بینی زرتشت، اخلاق است. در دینی که زرتشت عرضه کرد، به اخلاق توجه فراوانی مبذول شد و اصول سه گانه اخلاق زرتشتی در همه جهان شناخته شده است که اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک می باشد. صفات و اخلاق اهریمنی درست متضاد این سه اصل است یعنی: اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد. آخرد نیز در دایره اندیشه زرتشت نقشی محوری دارد. آدمی با این توانایی که خرد است می تواند بیندیشد و می تواند که به بخشی از جهان نا شناخته گام بگذارد و از گمراهی و دو دلی رهایی یابد و می تواند که سرنوشت زندگانی خود را بسازد و می تواند که با خرسندی درونی و شادی، زندگانی کند و می تواند که روانش را به تیرگی ها نیلاید و جانش را، که همان روان پاک مانده است، به سرای روشنی برساند... زرتشت خود از راه به کار بستن خرد به شناسایی راه یافته ولی هرگز فرمان نمی دهد که شناخته های او پذیرفته شوند. به سخن درست زرتشت به آدمیان نمی گوید به چه بیندیشند، او تنها این سفارش و راهنمایی را می کند که چگونه بیندیشند.<sup>۲</sup> زرتشت با اصالت اختیار آدمی، نه تنها در اصول فلسفی مباحثی تازه گشود، بلکه ارزش و مقام آدمی را بالا برد و اساس کاهلی و تبلی را بر انداخت.<sup>۴</sup>

در هر حال، اندیشه های زرتشت جهان باستان را در نوردید و افکارش در ساخت تمدن های ایران باستان تاثیر به سزایی داشت. بازتاب زندگی و به ویژه جهان بینی زرتشت در ساختار سینما علاوه بر رسالت ملی و دینی، می تواند رسالتی جهان شمول برای منعکس کردن تلاش چند هزار ساله ایرانیان برای درک حقیقت و تشویق همگان برای گام نهادن در این راه باشد.

۱. رضی، زرتشت، پیامبر ایران باستان، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. پرتو، زرتشت و اندیشه، از کتاب زندگی و اندیشه زرتشت سیری در زندگی و آموزه های زرتشت، ص ۳۱۹.

۴. رضی، زرتشت، پیامبر ایران باستان، ص ۷۱.

### ۲-۳- کورش بزرگ: سمبل مدارا در عصر پر غوغا:

شکوه شخصیتی و انسانیت کورش چه قدر می‌تواند باشد که حتی مورخان یونانی که سراسر غرض ورز بوده‌اند نیز نتوانند عنوان بزرگ را در پسوند نامش به کار نبرند. آن چه که شکوه کورش را در کنار صلابت جنگاوری و مدیریت استراتژیک وی فراگیر نموده است، مرام انسانی اوست. آری، زمانی که قتل و کشتار و تجاوز و به اسارت‌گیری انسان‌ها ندای مسلط عرصهٔ سیاسی است، کورش از تسامح، مدارا، احترام به آزادی و حریم انسانی سخن به میان می‌آورد. علیرضا شاپور شهبازی در کتاب کورش بزرگ زندگی و جهاننداری بنیادگذار شاهنشاهی ایران، سخنان اندیشمندان و مورخان غربی را دربارهٔ کورش آورده است که ما سخنان فلو یگل را به عینه نقل می‌کنیم: «سخنان فلو یگل آلمانی در مورد ارزش کورش برای تاریخ جهان دلپذیر و حاکی از قدرشناسی است... از همهٔ این‌ها بالا تر، وی یک انسان بود. بر جامه اش لکهٔ خون آلود هیچ فرمان کشتاری، یا کین جویی و ستم‌گری و رفتار بیدادگرانه‌ای، یافت نمی‌شود. حتی هنگامی که لودیان خیانت کار را برای بار دوم به زیر فرمان آورد، اجازه نداد کسی از دم تیغشان بگذرند. ولی اسکندر بارها فرمان کشتار همگانی داد. کورش دشمنان را بر دار نکشید و با شکنجه نکشت و هم میهنان خود را بی‌خردانه به دژخیم نسپرد»<sup>۱</sup>. اما ارزیابی شاپور شهبازی از شخصیت مانای کورش عمق تاثیر وی را در تاریخ جهانی به زیبایی تصویر می‌کند: «با آمدن کورش یک دورهٔ دراز تاریخی به پایان رسید: دوره‌ای که سرشار از مردمان ویران‌گر و تبه‌کار، و خون‌خواران درنده‌خوی و سنگ‌دل بود، دوره‌ای که جان انسان و مقام او ارزشی نداشت، و دوره‌ای نوین آغاز گشت: دورهٔ صلح و سازش، هم‌داستانی و همراهی، دورهٔ ارزش نهادن به حقوق و عواطف انسانی، دوره‌ای که قانون و داد را پا بر جای کرد و ارزش انفرادی و اجتماعی مردم را نمایان ساخت. پس از او دیگر کسی نتوانست بی‌شرم و ترس، دست به کشتار بزند، ویرانگری کند و از ننگ و بدنامی نهراسد. کورش معنی و اهمیت انسانیت واقعی را آشکار کرد»<sup>۲</sup>.

آن گونه که می‌دانیم، از نگاه اسلامی نیز اشخاصی چون علامه طباطبایی و ابوالکلام آزاد نیز ذوالقرنین اشاره شده در قرآن را با شخصیت کورش منطبق می‌دانند. به هر روی، گویا مقدمات پروژهٔ ساخت فیلم کورش کبیر به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی آغاز شده است و فیلم‌نامهٔ این اثر را نیز خود ایشان نگاشته‌اند. پیشنهاد می‌شود که فیلم‌نامهٔ اثر قبل از آغاز

۱. شاپور شهبازی، کورش بزرگ، زندگی و جهاننداری بنیادگذار شاهنشاهی ایران، ص ۳۸۸.

۲. همان، ص ۴۰۷.



فیلم برداری به متخصصین آکادمیک رشته تاریخ ایران باستان نیز عرضه شود تا هر نوع ابهام و یا مسایل تاریخی آن با نقد علمی آنها همراه شود.

### ۳-۳- داریوش اول: شکوه مدیریت و اقتدار سیاسی:

پرداختن به شخصیت داریوش اول هخامنشی از منظر سینمایی می‌تواند نقاط برجسته بسیاری داشته باشد که مهم‌ترین آنها ممیزه صلابت و مدیریت استراتژیک وی است. شناسایی عوامل تهدید و بحران از منظر علم مدیریت را می‌توان در حوزه سیاسی نیز تعمیم داد و داریوش در زمانی که کشور از وجود کمبوجیه خالی بود و آشوب‌های داخلی می‌توانست منجر به صدمات سنگین سیاسی گردد، طی دو سال و با مدیریت بحران توانست ثبات مجدد را به قلمرو هخامنشی بازگرداند. از این رو می‌بینیم دولتی مشتمل بر تمام دنیای معلوم آن روز و مقداری از سرزمین‌هایی که تا آن هنگام مجهول بود که آن از ریگ زار سوزان آفریقا تا نواحی سرد سیر چین امتداد داشته است، تمامی این کشور وسیع و پهناور زیر نفوذ این پادشاه بوده و این نهایت ترقی ایران و بهترین دوره از تمام ادوار بزرگی بود که تا آن زمان به وجود آمده بود.<sup>۱</sup>

داریوش جهت مدیریت کارآمد امپراطوری دست به اقدامات عدیده ای زد. راه شاهی را به طول ۲۵۰۰ کیلومتر و برای سهولت تردد بین سارد تا شوش احداث نمود. سپاه جاویدان را به تعداد ده هزار نفر به وجود آورد که امنیت قلمرو را حفظ می‌نمود. احداث بنای عظیم پارسه به دستور وی آغاز شد، بنایی که نه چون اهرام ثلاثه برگرده بردگان و نه چون دیوار بزرگ چین با ریخته شدن جسد کارگران در پی دیوار ساخته شد. بنایی که علاوه بر شکوه معماری جهان باستان، تدبیر تمام قدرعایت حقوق انسانی و عدم وجود بهره‌کشی است. وی برای نظارت دقیق گستره پارسیان، قلمرو را به ۲۲ ساتراپ نشین تقسیم نمود و سیستم اطلاعاتی چشم و گوش شاه را پیاده کرد. به هر روی، دوران زمام‌داری داریوش یکی از نقاط با صلابت تاریخ سیاسی ایران است که پرداختن به شخصیت داریوش از نگاه دوربین می‌تواند نسل‌های جدید را با روشی نوین به هویت ملی‌شان متعهد کند و با تاثیرپذیری از مدیریت نبوغ‌وار داریوش حداقل در زندگی شخصیش بهتر تصمیم‌گیری خواهد نمود.

در کنار این سه قله ستیغی که از میان ده‌ها شخصیت اثرگذار تاریخ ایران باستان انتخاب نموده‌ام، هستند نابغه‌های گونه‌گون دیگری که منعکس کردن حماسه‌ها، فداکاری‌ها و دلاوری‌های آنها می‌تواند رسالت یک هنرمند دغدغه‌مند باشد. از آریوبرزن گرفته تا مهرداد دوم

۱. حقیقت، حکومت جهانی ایرانیان از کورش تا آریوبرزن، ص ۲۷۲.

اشکانی و شاپور اول و دوم و نیز خسرو اول ساسانی، همگی بزرگانی هستند که فیلم‌ها و سریال‌های ویژه‌ای می‌شود درباره آنها ساخت و چه بسا بازتاب هویت آنها بتواند افراد بسیاری را از استحاله فرهنگی نجات دهد. البته در این زمینه باید امکانات سینمای ایران در مورد جلوه‌های ویژه و لوکیشن‌سازی و نکات فنی دیگر را نیز در نظر گرفت و در صورت نیاز از تخصص دیگر کشورهای پیشرو نیز در قالب همکاری بهره برد.

### نتیجه:

امروزه قدرت رسانه مرزها را درنوردیده و الگوهای جدیدی از ارتباط را در گستره جهانی شکل داده است. از آن جا که قدرت سیاسی و اقتصادی با حوزه نفوذ رسانه‌ای ارتباط مستقیمی دارد، کشورهای صاحب رسانه و از میان رسانه‌ها مشخصاً سینما، تلاش دارند تا انگاره‌های مورد نظر خود را از طریق سینما به مخاطبان جهانی تزریق کنند. ایران، به دلیل دارا بودن پیشینه تمدنی و فرهنگی غنی و نیز مشخصیت‌های اثرگذار در طول تاریخ، می‌تواند از این قابلیت بالقوه ملی در راه هویت‌سازی و جلوگیری از حمله فرهنگی بهره‌برد. از بعد سیاست‌گذاری فرهنگی گویا این شبهه برای عده زیادی وجود دارد که پرداختن به ایران باستان، تمدن و مشخصیت‌های آن با هویت اسلامی ما سازگاری ندارد، تصویری که از پایه اشتباه است. در این باب دلایل زیادی را می‌توان ارایه کرد: نخست این که پیامبر گرامی اسلام (ص) حدیثی دارند با این مضمون که علاقه به وطن جزئی از ایمان است و باز ممکن است عده‌ای بگویند که انتساب این حدیث به ایشان یقینی نیست. اما امام علی (ع) در حدیثی می‌فرمایند که: «این سه خصلت از بزرگواری انسان است: گریستن او بر زمان سپری شده‌اش، علاقه او به میهنش، نگه داشتن دوستان دیرینه‌اش»<sup>۱</sup> پس، آن‌گاه که امری از زبان امیر مؤمنان ایجابی و جز اخلاق اسلامی تلقی شود، دلیلی برای مبارزه با آن وجود ندارد. دوم این که تمدن و معماری اسلامی به شدت متأثر از تمدن و معماری ایران باستان و به ویژه ساسانی است و عباسیان عملاً ساختار سیاسی ساسانی را برای اداره خلافت اسلامی پیاپی نمودند یا اجزاء معماری اسلامی چون طاق و گنبد و مناره و... همگی متأثر از معماری ساسانی است و از این رو تمدن اسلامی به شدت وام‌دار ایران باستان است و به زبان دیگر با آن ممزوج است. سومین دلیل می‌تواند استناد به قرآن کریم باشد. می‌دانیم که دین عصر باستان ایران، زرتشتی بوده است و قرآن پیروان دین را به عنوان صاحب کتاب به رسمیت می‌شناسد. پس زندگی و اندیشه

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۴.

دینی ایرانیان باستان پیر و زرتشت نیز از سوی قرآن مبتنی بر یکتاپرستی لحاظ شده است و ایرانیان پیش از ظهور اسلام نیز بر اساس تأیید خود قرآن در راه یکتاپرستی بوده‌اند. دو عنصر ایرانیّت و اسلامیت در واقع دو بال مهم هویت ایرانی هستند که نه تنها با هم تقاض ندارند، بلکه مکمل یکدیگرند.

سینمای ایران رسالت‌سنجینی برای معرفی هویت باستانی ایرانی و شخصیت‌های ویژه و اثر گذار آن در عرصه ملی و نیز بین‌المللی دارد. امروزه سینما علاوه بر جنبه سرگرم‌کننده، ابعاد دیگری چون کارکرد فرهنگ‌سازی نیز دارد. جاذبه‌های بصری سینما و ماهیت جادویی آن تأثیر بلندمدتی بر ذهن مخاطب بر جای می‌گذارد و استفاده از آن در راه تربیت نسل‌های جوان یک رسالت ملی، مذهبی و هنری است که نباید نادیده انگاشته شود.

#### منابع و مآخذ:

- اسمیت، آنتونی. ژئوپولیتیک اطلاعات یا شیوه‌های سلطه جویی فرهنگی اس‌تعمار در جهان از طریق رسانه‌های همگانی. ترجمه فریدون شیروانی، تهران: سروش، ۱۳۶۴.
- پرتو، ابوالقاسم. زرتشت و اندیشه، از کتاب زندگی و اندیشه زرتشت سیری در زندگی و آموزه‌های زرتشت، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر افکار، ۱۳۸۷.
- حاجتی شورکی، سید محمد؛ محمد حسین، طاهری آکردی. «واکاوای تأثیر پذیری یهودیت از دین زرتشت»، معرفت ادیان، زمستان ۱۳۹۳، ص ۸۵-۱۰۴.
- حقیقت، عبدالرفیع. حکومت جهانی ایرانیان از کورش تا آریوبرزن، تهران: انتشارات کومش، ۱۳۸۷.
- دانی، مارشال. نشانه‌شناسی رسانه‌ها، ترجمه گودرز میدانی و بهزاد دوران، تهران: چاپار، ۱۳۸۷.
- رابینسون، دیوید. تاریخ سینمای جهان، مترجمین همایون عباس پور و ابراهیم ابوالمعالی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۶۳.
- رجایی، فرهنگ. مشکله هویت ایرانیان امروز و ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- رضی، هاشم. زرتشت، پیامبر ایران باستان، تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۸۰.
- سیاسی، علی اکبر. روان‌شناسی شخصیت، تهران: کتاب‌های سیمرخ، ۱۳۵۲.

- شاپور شهبازی، علی رضا. کورش بزرگ، زندگی و جهاننداری بنیاد گذار شاهنشاهی ایران، شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۴۹.
- شیخ الاسلامی، محمد حسن؛ عسگریان، محسن، «رسانه، هویت و الگوی مصرف: رویکرد نظری»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، تابستان ۱۳۸۹، ص ۳۱-۴۹.
- فهیمی فر، علی اصغر. «تاملی فلسفی پیرامون حضور تاریخ در سینما»، پژوهش‌های ارتباطی، ۱۳۸۴ شماره ۴۱، ص ۲۹-۵۰.
- قربان سوار، قربان علی؛ رحمتی، مهدی؛ ناطقی، هاشم. «رسانه و هویت ملی (تاثیر رسانه بر شاخص‌های هویت ملی)»، رسانه و فرهنگ، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۳-۱۳۵.
- کارنوو، ژان. جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی، منوچهر محسنی، تهران: سروش، ۱۳۵۶.
- کاس، سیلویو. «دراماتیزه کردن تاریخ در سینما، تحریف واقعیت یا ضرورت هنری»، ترجمه و تلخیص علی محمد طرفداری، ماهنامه زمانه، مهر و آبان ۱۳۹۳، ص ۲۳-۲۱.
- گرانیپیه، بهروز. «سینما: آسیب‌شناسی سینمای ایران»، مجله رسانه، شماره ۳۲، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲-۱۰۵.
- مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۹۸۳.
- میر محمدی، داود. گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، ۱۳۸۲.
- ویندال، سون و دیگران. کاربرد نظریه‌های ارتباطی، ترجمه علی رضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۶.